

● غلامرضا عمرانی

مقدمه‌ای بر شناخت و ضرورت تبیین یا نفی جایگاه کتاب آموزشی

اشاره

کتاب آموزشی چیست؟

همین الان آزمایش کنید: یک قلم و کاغذ به دست بگیرید و راه بیفتید و همین سؤال را از افراد گوناگون بپرسید. مسلماً با شناختی که همگان از آموزش دارند، تقریباً پاسخی شبیه این خواهند داد: «کتابی که بتواند مبحثی را، مفهومی را، دانش یا مهارتی را به کمک تدبیرهای ارتباطی، به گونه‌ای به آموزش گیرنده منتقل کند که هدف اصلی کتاب و پدیدآورنده‌ی آن از انتقال برآورده شود.»

۱۶/۱۷ ۹۱۹۲

پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۱۲

این پاسخ البته بسیار عالمانه و در این مورد همه‌سویگرانه است؛ چون پاسخ دهنده فردی متخصص و آشنا به حوزه‌ی آموزش است و توانسته است تعریف را در قالبی عرضه کند که همه‌ی جوانب آن در نظر گرفته شود. روشن است که در یک نگاه عام، تمام تعریف‌ها از آموزش، به‌چنین ویژگی‌هایی اشاره دارند، که در این جا مراد نیست. چون در این جا نگاه خاصی از آموزش یا به آموزش مطرح است که طبعاً تعریف را نیز تحت الشعاع قرار خواهد داد و خاص خواهد کرد. بنابراین، برای «کتاب آموزشی» و به تبع آن، برای نشر آموزشی که امروزه دیگر نمی‌توان آن را نادیده گرفت، چه تعریف ویژه‌ای می‌توان ارائه داد؟

نگارنده با توجه به بضاعت اندک خود در این زمینه و شناختی نسبی که از رهگذر شرکت در نشست‌ها و داوری در کتاب‌های حوزه‌ی آموزشی و نگارش سه جلد از مجموعه‌ی راهنماهای آموزشی حاصل کرده است، این جا و آن جا تعریف‌هایی از این مضمون ارائه داده است تا به کمک آن‌ها، ابعاد موضوع اندکی روشن‌تر شود. خلاصه‌ای از این تعریف‌ها را در ادامه می‌خوانید.

تعریف کتاب آموزشی

مسئله هر کتابی مطلبی برای در میان گذاشتن با مخاطبان خود دارد و با این هدف نوشته می‌شود که دیدگاه‌ها، فنون، روش‌ها و یافته‌های تازه‌ای را که نویسنده اش تجربه کرده است، با دیگران در میان گذارد. مسلماً هر خواننده‌ای نیز از رهگذر خواندن این کتاب، خود به یافته‌ی تازه‌ای دست خواهد یافت. بر این اساس، هر کتابی را می‌توان «آموزشی» نام نهاد. اما در عین حال، میان این نوع کتاب‌ها که بسیار عام هستند، و نوعی دیگر از کتاب‌ها که نویسنده‌ی آن‌ها تنها با این قصد می‌نویسد که دانش مخاطب ارتقا یابد، تفاوت زیادی هست. کتاب‌های اخیر ممکن است درباره‌ی طرز سلوک با مردم، طرز کشت گندم، شیوه‌ی گفتن شعر یا تعداد ستارگان آسمان باشند و ممکن است نویسنده در بیان مطلب به خطا هم‌رفته باشد یا در نتیجه‌گیری‌هایش صادق نباشد، اما قصد وی رسماً آموزش و یاد دادن موضوعی باشد به کسانی که آن‌ها را مخاطب خویش می‌داند. کتاب‌های اخیر را رسماً می‌توان «کتاب‌های آموزشی» نام نهاد.

اما اگر باز هم این دایره را محدود کنیم، به تعریف مطلوب‌تری می‌رسیم. بدین معنا که ممکن است در هر محیط سیاسی یا جغرافیایی، کسی یا کسانی از طرف جامعه رسماً مأموریت بیابند که «موضوعی خاص» را به «گروهی خاص» آموزش دهند. موضوع این آموزش می‌تواند فنون تیراندازی، اسب‌سواری، شنا، ساختن کوره‌ی آجرپزی یا طریقه‌ی درست اندیشیدن باشد. این یکی را می‌توانیم «آموزش به معنای خاص» بنامیم.

حال با توجه به تعریف بالا، منظور از کتاب آموزشی، کتابی است که بر «برنامه‌ی رسمی آموزشی وزارت آموزش و پرورش» منطبق است و بنابراین تعریف، تمامی کتاب‌هایی که صبغه‌ی

منظور از
کتاب آموزشی
کتابی است که
بر «برنامه‌ی رسمی
آموزشی وزارت
آموزش و پرورش»
منطبق است
و بنابراین تعریف
تمامی کتاب‌هایی که
صبغه‌ی آموزشی دارند
اما رسماً با این برنامه
منطبق نیستند
از شمار آن‌ها
خارج می‌شوند

۱۶/۱۷

پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۱۳

کل تعداد
ناشران ایران
در آغاز سال ۱۳۸۰
فقط ۲۱۷۲ مورد
بوده است
و اینک
تعداد ناشران
تنها در شهر تهران
به سه هزار مورد
بالغ شده است

آموزشی دارند و با همین هدف نیز نوشته شده اند، اما رسماً با این برنامه منطبق نیستند، از شمار آن ها خارج می شوند. برای مثال، تمام کتاب های «فرهنگ لغت»، آثار آیزاک آسیموف و مجموعه هایی که طی عناوین متفاوتی از قبیل «کوه ها»، «دریاها»، «صحراها» و... نگارش یافته اند از شمول تعریف اخیر خارج می شوند. در این جا تنها کتاب هایی مورد نظر هستند که آن ها را حول محور «برنامه های رسمی وزارت آموزش و پرورش» با قصد «آموزش» می نویسند. کتاب های اخیر را نیز می توان به دو دسته ی عمده تقسیم کرد: **دسته ی اول**، کتاب های درسی رسمی که فعلاً متولی آن ها «سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش» است، و **دسته ی دوم**، کتاب های مبتنی بر کتاب های درسی اول که وظیفه ی خود را عبارت می دانند از: «اشاعه، ترمیم، جبران، توضیح و تشریح اهداف، مطالب و مقاصد کتاب های درسی رسمی و نیز کمک به افزایش دانش و پرورش مهارت های ذهنی و عملی مخاطبان این کتاب ها.» منظور ما در تعریف اخیر از کتاب های آموزشی همین کتاب هاست. با عنایت به تعریف فوق، مدتی است که کتاب های دسته ی دوم براساس رهنمود و محتوای «مجموعه ی راهنماهای تولید کتاب های آموزشی» تولید می شوند یا قرار است از این پس تولید شوند. کتاب های اخیر - صرف نظر از داوری کلی در باب خوبی و بدی، و فایده ها یا زیان های احتمالی آن ها که فعلاً قصد پرداختن به این مقوله را نداریم - اینک جایگاه و پایگاه ویژه ای یافته اند و دیگر به هیچ رو نمی توان وجود آن ها را انکار کرد یا به آن ها نپرداخت و به سادگی از کنارشان گذشت. زیرا اگر در تولید، نشر و اشاعه ی چنین کتاب هایی خیری متصور است، ضرورت دارد با پرداختن بدان و توصیف ویژگی های مثبت آن، این خیر را اشاعه داد و اگر برعکس، چنین کتاب هایی می توانند منشأ شر نیز قرار گیرند، به همان میزان و با همان هدف لازم است به ذکر معایب و نارسایی های آن ها پرداخت و جامعه را از وجود، ظهور، بروز و اشاعه ی آن ها برحذر داشت. و اگر فرضاً راه سومی در میان وجود دارد و این کتاب ها می توانند نسبتی از خیر و شر داشته باشند، عمده ی وظیفه ی ما پالایش و تصفیه ی شر و کمک به اعتلا و ارتقای خیر موجود در آن هاست.

کتاب های آموزشی: تحکیم و تخریب؟

پیشتر گفتیم که نمی توان وجود چنین کتاب هایی را انکار کرد، زیرا اگر ارقام و آمار موجود در این زمینه را به یاری بگیریم و بدانیم که هم اکنون در فرهنگ شهر تهران، بیش از سه هزار ناشر به فعالیت چاپ و نشر کتاب اشتغال دارند. و اگر اندکی بیشتر آمارهای موجود را بکاویم، به حقایق جالبی در این زمینه پی می بریم.

کل تعداد ناشران ایران در آغاز سال ۱۳۸۰، از مؤسسات وابسته به دولت تا گم نام ترین متولیان چاپ کتاب، سال نامه، یادنامه، کارنامه و... در دورافتاده ترین شهرهای ایران، براساس مندرجات کتاب «راهنمای ناشران ایران»، فقط ۲۱۷۲ مورد بوده است [رنجبری و نوروز پوردیلمی، ۱۳۸۰]. و اینک تعداد ناشران تنها در شهر تهران به سه هزار مورد بالغ شده است. در این میان، ۱۰۵ ناشر آموزشی، تنها در شهر تهران فعالیت دارند. در مورد مصرف کاغذ هم آمار نشان می دهد، اگر یک ناشر متوسط غیرآموزشی، هر سال سه هزار بند کاغذ مصرف می کند، همین آمار در مورد برخی از ناشران آموزشی به ۱۰۰ هزار بند کاغذ، و برای کل ناشران آموزشی

۹۰۱۹/۱۷
پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۱۴



حوزه‌ی تهران به ۷۵ هزار بند و بیشتر هم می‌رسد.^۳

بدیهی است، وقتی ابعاد موضوعی تا این حد گسترده باشد، هر صاحب‌نظری را بر آن می‌دارد تا نسبت به آن کنجکاوی بیشتری به کار ببندد و با احساس مسئولیتی در خور مسئله، بدان بنگرد. به این آمار، شمار تمامی داوطلبان شرکت در آزمون سراسری دانشگاه‌ها و مدارس عالی را بیفزایید که امروزه تقریباً همه‌ی آن‌ها یقین دارند، سرنوشتشان با سرنوشت کتاب‌های آموزشی به شدت گره خورده است و نمی‌توانند به سادگی از آن‌ها چشم‌پوشند. فراموش نکنید که اولیا و افراد خانواده‌ی داوطلبان را هم به آمار این چشم‌های نگران بیفزایید. کارکنان این بخش از صنعت چاپ و نشر و

دست‌اندرکاران پخش و توزیع کتاب‌ها را نیز از قلم نیندازید و نیز اعضای خانواده‌ی آن‌ها را که ممر درآمد و گذران زندگی‌شان در گرو دوام و بقای همین موضوع است.

لطف کنید و به این آمار یک سیاهه‌ی طولانی دیگر را اضافه کنید؛ سیاهه‌ی افرادی را که در تاریکی و سیاهی بازار سودآور این قضیه کمین کرده‌اند و علاوه بر استفاده‌ها و سوءاستفاده‌های معمول، به محض انتشار کتابی درخور از این دست، بلافاصله چاپ و نشر و پخش و توزیع سریع و سازمان‌یافته‌ی تقلبی این کتاب‌ها را آغاز می‌کنند^۴ و از محل همین درآمد حلال! معاش اعضای خانواده‌هایشان را تأمین می‌فرمایند.^۵ بدیهی است موضوعی تا این حد گسترده، به توجه همگانی نیاز دارد تا هم چنان که در ابتدا عنوان شد، در صورت اثبات مناسب بودن چنین جریانی برای رشد و تعالی آموزش، خار و خسک‌های سر راه توسعه‌ی آن‌ها با تمهیدات لازم برداشته شود و به جریانی سالم و روان تبدیل گردد.

شاید این حرف تکراری باشد که اگر برای پایش (مراقبت) هر جریانی در طول مسیر آن، برنامه‌ریزی مناسب و قانونمندی وجود نداشته باشد، قدر مسلم این است که دیر یا زود به بیراهه و کج‌راهه یا دست‌کم به بن‌بست می‌انجامد و عاقبت هم جز دور زدن باطل در مدارای بسته، سودی به کسی نمی‌رساند. رودخانه را که دیده‌ایم و با سیلاب‌های موسمی هم که آشنا هستیم. هرگاه این دو شروع به حرکت کنند، حتی اگر فرض کنیم مسیری مشخص و از پیش تعیین شده هم داشته باشند، بسیار اتفاق می‌افتد که بدون پایش لازم در طول مسیر، وقتی به مانعی آزردهنده یا وقت‌گیر برخورد می‌کنند، راه خود را از جهتی که آسان‌تر و آسان‌یاب‌تر است، کج می‌کنند و از مسیر اصلی فاصله می‌گیرند. یا وقتی به بستری نرم و قابل کاویدن می‌رسند، بی‌محابا آن را

۱۹۹۱/۱۷

پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۱۵

می‌کنند، می‌رویند و پیش می‌روند. جای تعجب هم ندارد؛ مسیر اخیر راحت‌تر بوده است! در مورد همه‌ی جریان‌های موجود اجتماعی - و کتاب آموزشی هم یکی از آن‌ها - به ویژه آن‌گاه که پای تعهد هم اندکی بلنگد، این موضوع پیشینه‌ای پرسابقه دارد. ناشری از همین دست را در نظر بگیریم که سود آنی بازار نشر و نیاز کاذب ایجاد شده به وسیله‌ی عوامل مختلف و گوناگون^۶، راه وی را به سمت و سوی آسان‌یابی منحرف کند. این زاویه‌ی انحراف ممکن است ابتدا بسیار جزئی و حتی قابل چشم‌پوشی باشد، اما وقتی راه خودش را باز کرد، معلوم نیست از کجا یا از ناکجا سر در خواهد آورد. زاویه‌ی انحراف در آغاز همه‌ی ماجراهایی که به تباهی منجر شده‌اند، همیشه اندک و مشمول تسامح بوده است.

کتاب آموزشی: بدبینی یا خوش بینی؟

یک واقعیت تلخ این است که اگر کتاب‌های آموزشی را به تنهایی بسنجیم، حتی با دیدگاهی منفی، در می‌یابیم که خود کتاب‌ها مسبب جدی آثار مخرب نیستند، بلکه وابسته‌های دیگر آن‌ها به این تخریب دامن می‌زنند؛ مؤسساتی که در کنار چاپ کتاب‌های آموزشی اصرار دارند، همان کتاب‌ها را به وسیله‌ی دبیران مجرب! خودشان در کلاس‌های ویژه‌ی خودشان که تماماً بر مدار کنکور سراسری می‌چرخد، صفحه به صفحه، سطر به سطر و حتی واژه به واژه به خورد نسل جوان مشتاق دانشگاه بدهند. بی‌اغراق یکی از آفت‌های مسلم آموزشی در نظام فعلی، آسیبی است که عملکرد همین مؤسسات خصوصی بنا شده بر آزمون سراسری دانشگاه‌ها، به وجود آورده‌اند و با اصرار بر ادامه و اشاعه‌ی راه خود، تقریباً کلیه‌ی سرمایه‌گذاری‌های ملی را به بی‌راهه می‌کشاند. براساس وضعیت و جو حاکم بر این مؤسسات، می‌توان اکثر نزدیک به تمام کوشش‌های فرهنگی را در زمینه‌ی آموزش فرزندان مملکت به منظور تربیت شهروندانی کارآمد و موفق، ناکام تلقی کرد. زیرا نظام فعلی آموزش و پرورش انتظار دارد، پس از پایان تحصیلات متوسطه، شهروندانی پای به جامعه بگذارند که در کنار دانش مکتسب - که پایه‌ای برای دانش‌های اساسی بعدی است - دارای نگرش‌های اصولی و بنیادین اعتقادی، فکری، رفتاری، از قبیل ایمان، جامعه‌پذیری، نوع دوستی و عشق به مبانی فرهنگی و تعلق خاطر به سرزمین آبا و اجدادی باشند و علاوه بر آن، مهارت‌های اساسی زندگی را نیز - که برای ورود فرد به جامعه ضروری است - کسب کرده باشند. اما متأسفانه شیوه‌هایی که می‌کوشند تا بنا را تنها بر محفوظات دانشی صرف - که نازل‌ترین سطح اهداف آموزشی است - بگذارند، در حقیقت این روی دیگر سکه‌ی آموزش را ندیده‌اند. در نتیجه شیوه‌ای نیز که اتخاذ کرده‌اند، به برون‌دادی تک‌بعدی و ناقص منتهی می‌شود که نتیجه‌ی آن را می‌توان به وفور شاهد بود.

همه‌ی این مطالب را گفتیم تا به این باور برسیم که چنین جریانی با این حد از گستردگی، نیازمند پایش است و اشتباه نکنیم، منظور ما از پایش، مراقبت همه‌سویگرانه و کنترل دقیق و ممیزی آن چنانی نیست.

اما بدیهی است مددگرفتن از خردجمعی برای استفاده‌ی بهینه از فرصت‌های فرهنگی و فکری، و ارتقای ارزش‌های اجتماعی و انسانی، باید سرلوحه‌ی آرمان‌های نشر آموزشی قرار گیرد تا نتیجه‌ی لازم به دست آید.

«سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» که در حال حاضر متولی کتاب‌های درسی

مددگرفتن از
خردجمعی
برای استفاده‌ی بهینه
از فرصت‌های فرهنگی
و فکری
و ارتقای ارزش‌های
اجتماعی و انسانی
باید سرلوحه‌ی
آرمان‌های نشر آموزشی
قرار گیرد تا نتیجه‌ی
لازم به دست آید

۱۶/۱۷ ۹۱۹۲

پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۱۶



سراسر ایران است، در یکی دو سال اخیر، خود به این معضل بزرگ که آسیب‌رسانی کنکور سراسری به نظام آموزشی نام دارد، اشاره کرده، آسیب دیدن نظام آموزشی را از این رهگذر محرز دانسته و از جامعه‌ی روشنفکر و آگاه، در رفع این مشکل استمداد نموده است. با در نظر گرفتن این واقعیت که اکنون کم‌وبیش بر اکثر مؤسسات ناشر کتاب‌های آموزشی - که به هر حال بخشی از بار آموزش را برعهده دارند - چنین جوی حاکم است، می‌توان زنگ هشدار را به صدا درآورد. از آن جا که این روش به محدوده‌ی خاصی ختم نمی‌شود و تبعات آن در آینده تمام افراد را در بر خواهد گرفت و بر کل نظام فکری و ذهنی دانش آموز امروز و دانشجوی احتمالی فردا تأثیر خواهد نهاد، ضرورت بازنگری منصفانه و دل‌سوزانه در شیوه‌های گزینش سیاست کلی و نحوه‌ی نوشتن کتاب آموزشی، و اساس طرح پرسش به گونه‌ای که بتواند اهداف آموزشی کتاب‌ها را برآورده سازد، احساس می‌شود.

یادآوری می‌شود که اگر اهداف سه

گانه‌ی دانشی، مهارتی و ارزشی که آموزش و پرورش، تحقق آن‌ها را در طول دوره‌ی آموزشی و وظیفه‌ی اصلی خویش می‌داند و براساس آن می‌کوشد، برای جامعه‌ی آینده شهروند مناسب تربیت کند، برآورده شوند، یقیناً می‌توان جامعه‌ی سالمی را انتظار داشت که افراد آن وظیفه‌ی خویش را اعتلای نام ایران و پیشبرد آرمان‌های متعالی بشری تلقی می‌کنند. بدیهی است، مقصود از تربیت چنین شهروندانی آن است که به رؤیاهای انسانی جامعه‌ی عمل‌پوشانند و بر ارزش‌های والای بشری تکیه کنند.

با عنایت به آن چه گذشت، انتظار می‌رود کلیه‌ی کتاب‌هایی که مؤسسات و ناشران آموزشی در این حوزه خاص چاپ و منتشر می‌کنند، دارای ویژگی‌هایی باشند که نظام آموزشی مملکت برای تحقق آن‌ها برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کرده است و دوازده سال از بهترین ایام زندگی فرزندان این سرزمین برای حصول آن‌ها صرف می‌شود.

امروز پنج سال است از آغاز این تمهید نیکو می‌گذرد که براساس آن، سازمانی که خود این راه را تمام و کمال رفته است و بار معنوی چاپ و نشر هزاران هزار کتاب، نشریه و جزوه‌ی آموزشی را به عنوان پشتوانه‌ای مؤثر و مطمئن همراه دارد و خود نیز اکنون یکی از بزرگ‌ترین ناشران درسی و آموزشی محسوب می‌شود^۷، اعلام آمادگی کرده است که برای تولید کتاب‌های آموزشی مناسب، با

**بخش خصوصی
توان خود را
در پاره‌ای موارد
به طور
ستایش برانگیز
به اثبات
رسانده است**

سرمایه‌گذاری فکری و معنوی برای تعیین و تبیین استانداردهای لازم و هدایت پدیدآوردگان این کتاب‌ها، اعم از ناشر، مؤلف و مترجم، با آنان همفکری و همراهی کند. بدیهی است که اگر این سرپرستی و هدایت از روال عادی و معقول خود خارج نشود و به دخالت و امر و نهی نینجامد، جریان سالم و کارا براساس احترام متقابل و حسن استفاده‌ی دو طرف از تجربه‌های یکدیگر شکل خواهد گرفت. این همکاری در عین آن که لازم است به بهترین وجه به سمت و سوی مسالمت و حسن استفاده سوق داده شود، برای هر دو طرف باید امکاناتی فراهم آورد که بتوانند، از ذخیره‌های سرشار توان، استعداد و نیرویی که در هر دو جانب موجود است، به خوبی استفاده کنند.

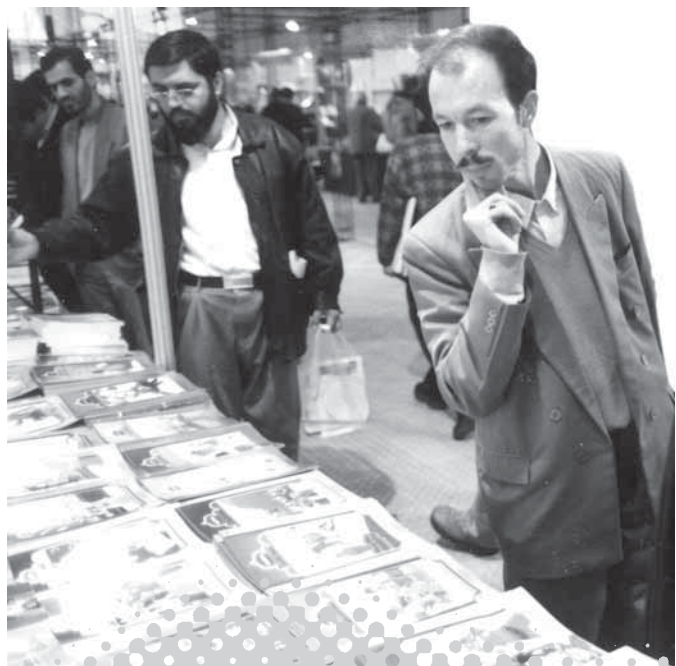
بخش خصوصی که فعلاً نشر آموزشی را برعهده دارد و توان خود را در این عرصه تاکنون - دست کم در پاره‌ای موارد به طور ستایش برانگیز^۸ - به اثبات رسانده است، باید در عین استقبال از دست‌های پرتوانی که به قصد کمک به سویس دراز شده‌اند در این هماهنگی و همکاری:

- از اطلاعات مطلق و بی‌چون و چرای ناموجه بپرهیزد.
- خودباوری زودرس و بی‌پشتوانه را در تعامل دوجانبه اصل قرار ندهد.
- واقع‌بینی را براساس توان سنجی دوسویه بر مشی خویش حاکم سازد.
- پشتوانه‌ی فکری چهل و چندساله‌ی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را دست کم نینگارد.

■ تمامی دست‌اندرکارانش را، از جمله ناشران، نویسندگان و مترجمان، به صورتی علمی و مناسب با هدف‌های درازمدت و سیاست‌های آموزشی لازم‌الاجرای مصوب وزارت آموزش و پرورش آشنا سازد.

در برابر، بخش دولتی و در رأس آن سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و به تبع آن دفتر انتشارات کمک آموزشی که فعلاً «طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی»، بخش فعالی از آن است، باید در این ارتباط دوسویه به نکته‌های اساسی زیر توجه داشته باشند:

۱. از اعمال دخالت مستقیم به هر صورت و حتی از ایجاد شائبه‌ی آن بپرهیزد.
۲. هدایت جنبی را بر هدایت مستقیم و همه‌جانبه ترجیح دهد.
۳. به خاطر داشته باشد، اتهام سیطره‌ی مطلق و انحصار بی‌قید و شرط تولید، چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، زمزمه‌ی دائمی معترضان است. گزینش سیاستی میانه می‌تواند، این چالش را از میان بردارد و زمینه را برای جلب مشارکت‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌ها آماده سازد.
۴. سیاست تشویق نه تنبیه را از طریق برگزاری جشنواره، البته به شکلی فراگیرتر و گسترده‌تر، ادامه دهد، تا تصور نشود که هزینه‌های مصرفی در این راه هدر رفته‌اند؛ زیرا یقیناً هر بره‌ی گم‌شده‌ای که به رمه باز گردد، گرگ‌ها را نومید خواهد کرد.



◀ زیرنویس

۱. تعریفی که ارائه شد، پاسخ استاد و دوست بزرگوام، آقای دکتر عبدالحسین آذرنگ است به پرسش «تعریف شما از کتاب آموزشی چیست؟» که در مجله‌ی رشد جوانه، ش ۱۲، آبان ۱۳۸۴ چاپ شده است.

۲. به زبان غیر فنی، یعنی با این مقدار کاغذ می‌توان ۲۳۰ عنوان کتاب به شمارگان هر کدام ۱۰۰۰ جلد در قطع رقعی به چاپ رساند.

۳. فعلاً بحث سهمیه‌ی کاغذ دولتی را که با نرخ‌ی کم‌تر از یک سو در اختیار ناشر آموزشی قرار می‌گیرد، کنار می‌گذاریم.

۴. حساب این دسته از افراد را از گردانندگان جریان سالم جدا بدانیم؛ زیرا همیشه، به تعبیر سعدی، در پس هر پیسه‌ای که خالی گمان می‌رود، ممکن است پلنگ خفته باشد.

۵. حیف که شما فرصت ندارید وگرنه ارجاعتان می‌دادم به مؤخره‌ی کتابی از همین نوع؛ یعنی شیمی پیش دانشگاهی ۱ انتشارات مبتکران. ناشر کتاب طی مقاله‌ی مستند و مبسوطی، از راز یک نمونه از این تقلب بزرگ پرده برداشته و حدود شش هزار جلد از کتاب‌های تقلبی را به مدد نیروی انتظامی فقط در چند انبار متقلبان کشف کرده است. آمار فروخته شده‌ها هرگز مشخص نمی‌شود که در میان آن‌ها، علاوه بر کتاب‌های خوب مرکز نشر دانشگاهی و ناشران دیگر، یکی از کتاب‌های برگزیده‌ی سال گذشته‌ی جشنواره‌ی رشد، یعنی «زبان فارسی، راهبردهای یاددهی - یادگیری» نیز مشمول این لطف! شده است.

۶. از جمله می‌توان به تبلیغات رنگ و وارنگ و هزار رنگ رسانه‌های الی ماشا‌الله شخصی و خصوصی، و ملی و دولتی برای تبلیغ خوراک‌های مناسب کنکور سراسری و تعیین دوز (dose) تزریقی، خوراکی و... برخی از اقلام مصرفی کنکوری و اشاعه‌ی جو اضطراب اشاره کرد که به مدد آن، با اقدامی خیرخواهانه! می‌توان جامعه‌ی دانش‌آموزی و به تبع آن اولیا را ناگهان از شاه‌راه سالم آموزش، به جانب ناکجاآباد سوق داد و تهیه‌ی توشه‌ی مناسب آن را نیز برعهده گرفت.

۷. البته به موازات نشر کتاب‌های درسی که آن را رسالت اصلی خویش می‌داند و همین موضوع نیز می‌تواند در آینده موجبات چالش‌ها و فرصت‌های بحث برای کم و کیف و حد و حصر آن را فراهم کند.

۸. این یکی دیگر توصیه‌ی حافظ است که می‌فرماید: «عیب می‌جمله‌بگفتی، هنرش نیز بگو.»

◀ منبع

رنجبری، محمد و نوروز پور دیلمی، وهرز، راهنمای ناشران ایران. خانه‌ی کتاب. تهران. ۱۳۸۰.

ناشر

حدود شش هزار جلد
از کتاب‌های تقلبی را
به مدد نیروی انتظامی
فقط در چند
انبار متقلبان
کشف کرده است

۱۶/۱۷

پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۱۹